



عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی:

استاد اخراجی به دانشگاه بازگشتند

گفت‌وگو

غزل رضایی‌ثانی- ندا سبحانی

آذرماه ۱۳۶۳ بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد. گسترش نفوذ فرهنگ اسلامی در جامعه، تهیه و تدوین سیاست‌ها و طرح‌های راهبردی کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی، از جمله وظایف این شورا تعریف شده بود. برای همین شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه‌های مختلف از جمله زبان، تبلیغات، اطلاع‌رسانی، چاپ و نشر، دانشگاه‌ها، برقراری روابط علمی، پژوهشی و فرهنگی با سایر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت‌های دینی و معنوی، برنامه‌ریزی برای مقابله با تهاجم فرهنگی و سایر حوزه‌های فرهنگی، به سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و نظارت مشغول است. این شورا همچنین نقش کلیدی در تدوین اسناد راهبردی کشور دارد. حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه از سال ۱۴۰۱ به سمت دبیری شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور منصوب شده و در همین دو سال و شش ماه گذشته شاهد بوده‌ایم که اقدامات مختلفی در این شورا در زمینه اجتماعی و فرهنگی انجام شده است. به گفته خسروپناه، در همه این اقدامات تلاش شده ارتباط نخبگان و مردم با شورا مستقیم و بی‌تکلف باشد و حتی از نگاه نخبگان برای تهیه و تدوین اسناد استفاده شود. با عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در استودیو روزنامه ایران به گفت‌وگوی تفصیلی در مورد آخرین اقدامات شورا پرداختیم.

حدود دو سال ونیم از حضور شما در شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گذرد. در این مدت چه دستاوردهایی در شورا داشته‌اید؟

در این مدت چند کار مهم انجام شده است؛ اول اینکه دبیرخانه شورا را به سمت مسأله‌محوری بردیم؛ یعنی در واقع ستادها و میزهایی شکل گرفت که به حل مسأله می‌پردازند. به عنوان مثال یکی از مسائلی که در حوزه فرهنگ حتی پیش از انقلاب به آن توجه نشده، موضوع صنایع دستی بود. ایران ۲۹۹ صنایع دستی دارد و هیچ کشوری به اندازه ایران در صنایع دستی متنوع نیست، اما در عین حال هیچ سند حمایتی برای توجه به آن وجود نداشت. یا فرض کنید موضوع اسباب‌بازی که یک امر فرهنگی است، فقط ۱۰ درصد آن در کشور تولید می‌شد، ۲۰ درصد واردات و ۷۰ درصد آن قاچاق بود. این موضوع برای ما یک مسأله چالشی بود. با موسیقی که ۳۰ سال چالش داشت، به گونه‌ای که مقام معظم رهبری نیز تأکید داشتند حتماً برای آن سند موسیقی تدوین شود، چون هر کسی با نظر و سلیقه خودش به موضوع موسیقی ورود می‌کرد. همچنین بحث VODها که موضوع مهم حوزه فرهنگ است، مورد تهاجم سلیاق و نظرات مختلف بود و هیچ ضابطه‌ای برای آن وجود نداشت. در نهایت موضوع VOD -محتوای تصویری در بستر اینترنت- پیگیری شد. در حوزه اجتماعی آسیب‌هایی مانند اعتیاد، گسترش دخانیات، کاهش و پیری جمعیت و... مسائل مهمی بودند که باید سریعاً به آنها رسیدگی می‌کردیم. همچنین در حوزه فناوری چند مسأله داشتیم که باید به آن توجه می‌شد. اولین مورد هوش مصنوعی بود، سپس امنیت قضایی، فناوری کوانتوم و مواد پیشرفته که آیین‌نامه ارتقا برای آن تدوین شد تا با تأکید بر آیین‌نامه، اسنادیت بتوانند در این زمینه نوآوری داشته باشند و شتاب علمی را افزایش دهند. همچنین بیش از ۱۳ سال از عمر نقشه علمی جامع کشور می‌گذرد و باید مورد بازنگری قرار می‌گرفت. در این میان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم بود که باید به یک برنامه اجرایی و عملیاتی تبدیل می‌شد. همه این کارها در دو سال ونیم گذشته انجام شد.

و فقه حکمرانی کار می‌کنم به همین دلیل به یک الگوی حکمرانی رسیدم که محور آن حکمرانی مردمی و نخبگانی است. با این الگوی که ما به آن رسیدیم، تمامی اسناد نامبرده تدوین شدند. به عقیده من و طبق الگوی حکمرانی، اگر قرار است این سندها اجرا شود، باید کسانی که با آن سر و کار دارند سندش را بنویسند. به همین دلیل در حال حاضر سند فناوری کوانتوم که رئیس‌جمهوری آن را ابلاغ کرده تا ۴۰ درصد اجرا شده، در حالی که دو ماه از شروع آن می‌گذرد. دلیل اینکه سند به سرعت اجرا شده این است که همان‌هایی که در این حوزه کار می‌کنند آن را نوشته‌اند. آنها حتی عالمانه و آگاهانه گفتند تا ۵ سال دیگر با همین سند به کجا می‌رسند.

در این مدت ارتباط مردم و جامعه نخبگانی با شورای عالی انقلاب فرهنگی چه تفاوتی نسبت به گذشته داشته است؟

مردم عزیز ما بداند که در هر استانی هیأت اندیشه‌ورز علم و فناوری داریم. هر اتفاقی که می‌خواهد در شورا بیفتد و به صحن برود، ابتدا تصمیم‌سازی آن در شورا انجام شده و تصمیم نهایی در هیأت‌های اندیشه‌ورز گرفته می‌شود. هیأت‌های اندیشه‌ورز در حوزه تعلیم و تربیت نیز فعال هستند که با نام اختصاری فتا (فعالان تربیتی استانی) با همکاری متخصصان تعلیم و تربیت در تمام استان‌ها کار می‌کنند. تمام ستاد‌های ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی به نوعی با مردم و نخبگان ارتباط دارند. در همین راستا ما باید چهار ستاد را راندازی می‌کردیم. این ستادها به نام‌های علم و فناوری، تعلیم و تربیت، خانواده و زنان و ستاد فرهنگی است. ستاد پنجم را هم کمتر از یک سال است راندازی کرده‌ایم که ستاد سلامت نام دارد. این ستادها با فرهنگستان‌های هدف ارتباط مستقیمی پیدا کرده‌اند و به همین دلیل مردم و نخبگان با شورا و دبیرخانه شورا ارتباط سیستمی پیدا کرده‌اند. نمی‌خواهم بگویم قبلاً این گونه نبود، چرا بود، اما به نظرم در این دوره دو رویداد مهم

اتفاق افتاده؛ یکی ارتباط با مردم است و دوم اینکه نخبگان را در شهرستان‌ها درگیر کردیم. برخی مسئولان عادت دارند، بیشتر از نخبگان تهرانی استفاده کنند، اما ما در شهرستان‌ها نخبگان کم‌نظیری داریم و الحمدلله این افراد هم ارتباط خوبی با شورا برقرار کرده‌اند.

سرانجام بعد از چند سال، رئیس دانشگاه تهران منصوب شد، با این حال وضعیت سایر دانشگاه‌ها که با سرپرست اداره می‌شوند چه زمانی مشخص خواهد شد؟

تا از طرف وزرای علوم و بهداشت نامه رئیس پیشنهادی دانشگاه به ما ارسال نشود، نمی‌توانیم در کمیته‌های مربوطه درباره سرپرست‌ها بحث کنیم. ما پیشنهادی درباره سرپرست و رئیس دانشگاه به وزرای علوم و بهداشت نمی‌دهیم، بلکه پیشنهاد‌های آنها را بررسی می‌کنیم. ما تقریباً دو ماه پیش رئیس دانشگاه تهران را تأیید کردیم ولی جدیداً وزیر علوم آن را منسحب کرد. بنای شورا بر این است که کاری را به تأخیر نیندازد، اما مواردی هست که به کمیته می‌آید و برخی از اعضای شورا اشکالاتی آن می‌بینند؛ مثلاً آنها نسبت به گزینه‌های پیشنهادی سؤالات و ابهاماتی دارند. فرض کنیم یک سرپرست برای یک دانشگاه باید روز طی دو، سه ساعت به دانشگاه سر می‌زند، در حالی که باید در دانشگاه حضور تمام وقت داشته باشد، نه اینکه گاهی به آنجا بیاید. حتی ۲۴ ساعت هم برای اداره یک دانشگاه کم است. رئیس دانشگاه باید تمام وقت خود را صرف دانشگاه کند. البته این مثالی که زدم خیلی نادر است. یا مثلاً سرپرست تعیین بودند که برای معاونت‌ها سرپرست تعیین نکردند و فقط به آنها گفتند شما به فلان امور رسیدگی کنید؛ در حالی که آن شخص تا حکم سرپرستی معاونتی نداشته باشد، نمی‌تواند چیزی را امضا کند تا کارش را انجام دهد. عمده‌تأخیر به عواملی بستگی دارد که خیلی از آنها هم دست وزیر

علوم نیست و یک فرآیند قانونی دارد. در کل این روند کاملاً طبیعی است و وزرای محترم در احکامی هم که صادر می‌کنند تأکید بر اجرای اسناد بالادستی دارند. تأیید صلاحیت ریاست دانشگاه‌ها که وزرا معرفی می‌کنند در یک کمیته پنج نفره با حضور وزرای علوم و بهداشت، رئیس نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، یک نفر عضو حقیقی شورا که با رأی شورا حضور دارد و دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌شود. آنها باید به اتفاق آرا رأی بدهند، یعنی اگر یک نفر مخالف باشد، گزینه پیشنهادی تأیید نمی‌شود یا در جلسه بعدی بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر وزیری بر سرپرستی اصرار داشت و یکی، دو نفر از اعضا مخالف بودند، وزیر می‌تواند آن فرد را به صحن شورا ببرد تا در آنجا رأی گیری شود. ما در دولت چهاردهم حتی یک نفر را هم در صحن شورا نبردیم و همه موارد در همان کمیته حل شده و این نشان می‌دهد تعامل خوبی میان ما برقرار است. در حال حاضر هیچ سرپرست رهنش نوبتی نداریم، اگر مواردی هم هست یا مراجع سه‌گانه تأیید نکردند یا زمان کوتاهی از سرپرستی آنها در دانشگاه می‌گذرد، ولی عمده‌تأخیر در هر جلسه‌ای بیش از ۱۰ نفر تأیید می‌شوند.

چنانچه موافق باشید پیردازیم به برخی وجوه فرهنگی که طی ماه‌های اخیر، با انیام‌هایی مواجه بوده‌اند. موضوع لغو فیلم‌های دارای مجوز از سوی ساترا، اتفاق تازه‌ای نیست مانند حواشی‌ای که برای «تاسیان» یا «سوشون» یا دیگر فیلم‌های نمایش خانگی رقم خورد. اصلاً در این زمینه شورای عالی انقلاب فرهنگی چه موضعی داشته است؟

در هر مقوله فتاوی و اجتماعی، طبیعتاً اصل برآزادی از موانع است؛ اما در همه فلسفه‌های اجتماعی، در کنار این آزادی آزادی مقید به چهارچوب قانون و ضوابط هم قید شده است. البته قوانین و ضوابط در این‌تولوزی‌های مختلف، متفاوت است. طبیعتاً در حوزه سینما و شبکه نمایش خانگی هم این آزادی باید مقید به چهارچوب و

قانون‌هایی باشد تا تولیدکنندگان (کارگردان، تهیه‌کننده و...) براساس آن قانون و ضوابط کار تولید کنند. اما متأسفانه در این مدت زمان، چهارچوبی تعریف نشده بود و به طور مثال کارگردان یا فیلمنامه‌نویس براساس رمان یا موضوعی تخیلی، کار تولید می‌کند و آن تخیل را که در یک «زیست‌جهان» خاصی است، بر نمایش خود اعمال می‌نماید و به دنبال آن طبیعتاً نهاد ناظر بر این آثار هم براساس «زیست‌جهان» خود این کارها را ارزیابی می‌کند. بنابراین وقتی ضابطه و قانونی وجود نداشته باشد، نگاه‌های موافق و مخالف هم قابل پیش‌بینی است. اما هرگاه بنا برهمین موضوع، پلتفرمی تعطیل می‌شود، بسیار نگران می‌شویم. ما معتقدیم اگر در یک سریال مسأله‌ای وجود دارد، نباید به تعطیلی آن پلتفرم کشیده شود؛ چرا که بخش عظیمی از زندگی و معیشت افراد از همین پلتفرم‌ها اداره می‌شود. در همین مورد اخیر هم پیگیری‌های بسیاری از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفت. ما برای گرفتار نشدن نگاه‌های سلیقه‌ای از دو سال گذشته به این نتیجه رسیدیم، با کمک خود صاحب‌نظران و ذی‌نفعان – همانند کارهایی که درخصوص سند موسیقی و صنایع دستی شکل گرفت- ضوابط و سیاست‌های نمایش خانگی را تدوین کنیم که در این زمینه دو نهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما ذی‌نفع هستند بنابراین تلاش ما این بود، این دو مجموعه با یکدیگر هماهنگ شوند که البته کار بسیار سختی بود. در واقع باید بگویم سخت‌ترین کار شورا همین بحث نمایش خانگی بود؛ البته نه فقط در دولت چهاردهم، بلکه در دولت سیزدهم هم از جهاتی بیشترین دشواری‌ها وجود داشت. به‌رحال اختلاف نظرهایی بود و تلاش‌های بسیاری انجام گرفت و برگزار نخبگان این امر و صاحب‌نظران نمایش خانگی و ذی‌نفعان این حوزه جلساتی برگزار کردیم و نکات و دیدگاه‌های آنها مطرح شد و این ضوابط و سیاست‌ها آماده و تدوین شده است و ان‌شاءالله با ابلاغ رئیس جمهوری، بخش بسیاری از این سلاقی

کنار خواهد رفت. باید بگویم در این باره دست عزیزان باز است و به راحتی می‌توانند تولید نمایش خانگی داشته باشند و توسعه پیدا کنند. نکته دیگر اینکه تا آنجا که مطلع هستم، از زمان راندازی ساترا، صدها پلتفرم مجوز دریافت کرده‌اند و در حال فعالیت هستند. موضوع دیگر اینکه سلیقه مردم متفاوت شده و ممکن است به دلیل مشغله کاری نتوانند به سینما بروند و ترجیح‌شان این باشد که در منزل بنشینند و سریال‌های مورد علاقه خود را تماشا کنند. خود بنده از علاقه‌مندان سریال‌های نمایش خانگی هستم و عمدتاً با خانواده تماشا می‌کنم و از کارگردان یا تهیه‌کننده‌ای که کار فاخر تولید کرده به صورت مکتوب یا تلفنی کمال تشکر را داشته‌ایم.

اشاره داشتید تعارض منافی وجود ندارد، اما آشکار است که شبکه‌هایی در تلویزیون در تولید سریال، رقیب شبکه نمایش خانگی یا VODهاست. یعنی تعارض منافع وجود دارد. نکته دیگر اینکه از ابتدای کار، مجوز تولید فیلم‌های شبکه نمایش خانگی از سوی وزارت ارشاد انجام می‌گرفت و منتشر می‌شد و حواشی هم وجود نداشت. آیا این امکان وجود دارد همان سازوکار ارتقا پیدا کند؟

در این زمینه در شورا و دبیرخانه شورا بحث‌های بسیاری مطرح شد. اما در نهایت آنچه که مصوب و ابلاغ می‌شود، قانون کشور تلقی خواهد شد. در قانون اساسی این اختیار به صداوسیما واگذار شده و صداوسیما مدعی است ساترا مجموعه‌ای مستقل است و ضرورت دارد داوری‌هایی از سوی صاحب‌نظران انجام بگیرد. بر این اساس دو بحث وجود دارد: نخست اینکه آیا قانون اساسی به ما اجازه می‌دهد که این امر را از صداوسیما بگیریم و به یک نهاد مستقل دیگری واگذار کنیم؟ که مقسار قانون اساسی پاسخ‌شان منفی است. بحث دیگر، ساختارمند شدن آن است تا تعارض منافع اثر منفی نگذارد. این موضوع بسیار مهمی است چرا که در موارد بسیاری، گاهی آن تخیل را که در یک «زیست‌جهان» خاصی است، تعارض منافع، قانون را دور می‌زند. به همین سبب در سیاست‌ها و ضوابط، برای این موضوع تدابیری آورده شده که ان‌شاءالله ابلاغ خواهد شد.

حتی پیشنهادهایی شده که مثلاً اگر یک اختلاف نظر و نزاعی بین پلتفرم‌ها با ساترا به وجود آمد، نهاد دیگری داوری آن را برعهده داشته باشد. در نهایت فکری می‌کنم با ابلاغ این ضوابط و سیاست‌ها، بسیاری از این گره‌ها حل خواهد شد. در واقع بسیاری از این اختلافات در فرآیند حل می‌شود و شاید نیازی هم به به وجود آمدن چالش‌های اجتماعی نباشد.

پیش از جنگ ۱۲ روزه، دیداری با آقای همایون شجریان داشتید و بعد از آن ایشان در صفحه شخصی خود به موضوع موسیقی بانوان اشاره کرد؛ موضوعی که در سند موسیقی قید نشده و بهتر است بگویم یک سند کاملاً مردانه است. آیا در اصلاحیه این سند به موضوع موسیقی بانوان به شکل جدی‌تر پرداخته خواهد شد یا خیر؟

وظیفه دبیر شورا، در کنار ارتباط با عالمان علم و فناوری، ارتباط با هنرمندان و ورزشکاران است. خود بنده مقید هستم هر هفته جمعه با یک هنرمند پیشکسوت دیداری داشته باشم. هنرمندان بسیاری با شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط هستند، به‌ویژه اصحاب موسیقی و اصحاب ورزش. لذا این دیدار اولین و آخرین دیدار نبوده و با هنرمندان و اصحاب موسیقی جلسات متعددی داشتیم و بحث‌های مختلفی هم مطرح شده است. من قبول ندارم که سند موسیقی سندی مردانه است. ما در کشور جمهوری اسلامی زندگی می‌کنیم و در جمهوری اسلامی ملک، مباحث شرعی است که باید در اسناد به آن توجه شود و نباید جامعه را برای یک عده موافق یا مخالف دچار قطعی‌سازی کنیم و دچار چالش‌هایی شویم؛ خصوصاً در جامعه ما که طبیعتاً وفاق ملی و انسجام ملی بسیار مورد اهمیت است. برخی از فقها با خوانندگی خانم‌ها در جمع بانوان مسأله‌ای ندارند. البته به‌طور کلی، غنا برای آقایان و خانم‌ها حرام است. البته بر مبنای فتوای مقام معظم رهبری، غنا حرام نیست و حتی ایشان غنای لاهی را حرام نمی‌دانند؛ حتی غنایی که به تعبیر عامیانه تحریر داشته باشد. یعنی موسیقی دارای تحریر، غنای لاهی نیست. اما عده‌ای از دوستان براین نظرند اگر غنای لاهی قفل، فرد یا جمع را به گناه یا معصیتی سوق بدهد، حرام است.

درخصوص اجرای بانوان هم باید بگویم در حال حاضر، در اجراهای کر یا کنسرت‌هایی که برگزار می‌شود، خانم‌ها حضور دارند و همخوانی می‌کنند. اما اینکه یک خانم در جمعی که آقایان هستند بخواند، اجازه ندارند. طبیعتاً در سند موسیقی هم نمی‌توانیم مجوزی در این باره صادر کنیم؛ چرا که در شورای انقلاب فرهنگی هم باید مبانی شرعی رعایت شود.



عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی



برخی مسئولان عادت دارند، بیشتر از نخبگان تهرانی استفاده

کنند، اما در شهرستان‌ها نخبگان کم‌نظیری داریم و الحمدلله این افراد هم ارتباط خوبی با شورا برقرار کرده‌اند



من قبول ندارم که سند موسیقی سندی مردانه است. ما در کشور جمهوری اسلامی زندگی می‌کنیم و در جمهوری اسلامی ملک، مباحث شرعی است که باید در اسناد به آن توجه شود و نباید جامعه را برای یک عده موافق یا مخالف دچار قطعی‌سازی کنیم



برش



در برخی از شهرهای کشورمان، بنابر نگاه‌های سلیقه‌ای، بانوان نوازنده اجازه اجرا ندارند. جناب خسروپناه نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی در این باره چیست؟

قبول داریم سلاقی هست. اما از زمان تدوین و ابلاغ سند موسیقی، مانع از این سلاقی شده‌ایم. ما در این سند صریحاً اعلام داشتیم اگر یک اجرای موسیقی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز بگیرد، هیچ نهاد دیگری نباید به آن ورود کند، حتی شورای تأمین – بجز موارد استثنا مانند دعا و درگیری- البته اگر امام جمعه یا استانداری هم در این زمینه دخالتی داشته باشند، به مبحث اجتماعی مربوط می‌شود. ناگفته نماند این رفتارهای سلیقه‌ای تنها مختص به موضوع موسیقی نیست، اما به‌طور کلی در سند موسیقی تلاش کردیم بسیاری از این سلاقی کاهش داده شود. بایستی بگویم ظلم کردن در هر نوعی بد است. وقتی یک چیز به تأیید قانونی درآمده است، از نگاه من مقابله با آن امر قانونی، ظلم به آن ذی‌نفع است.